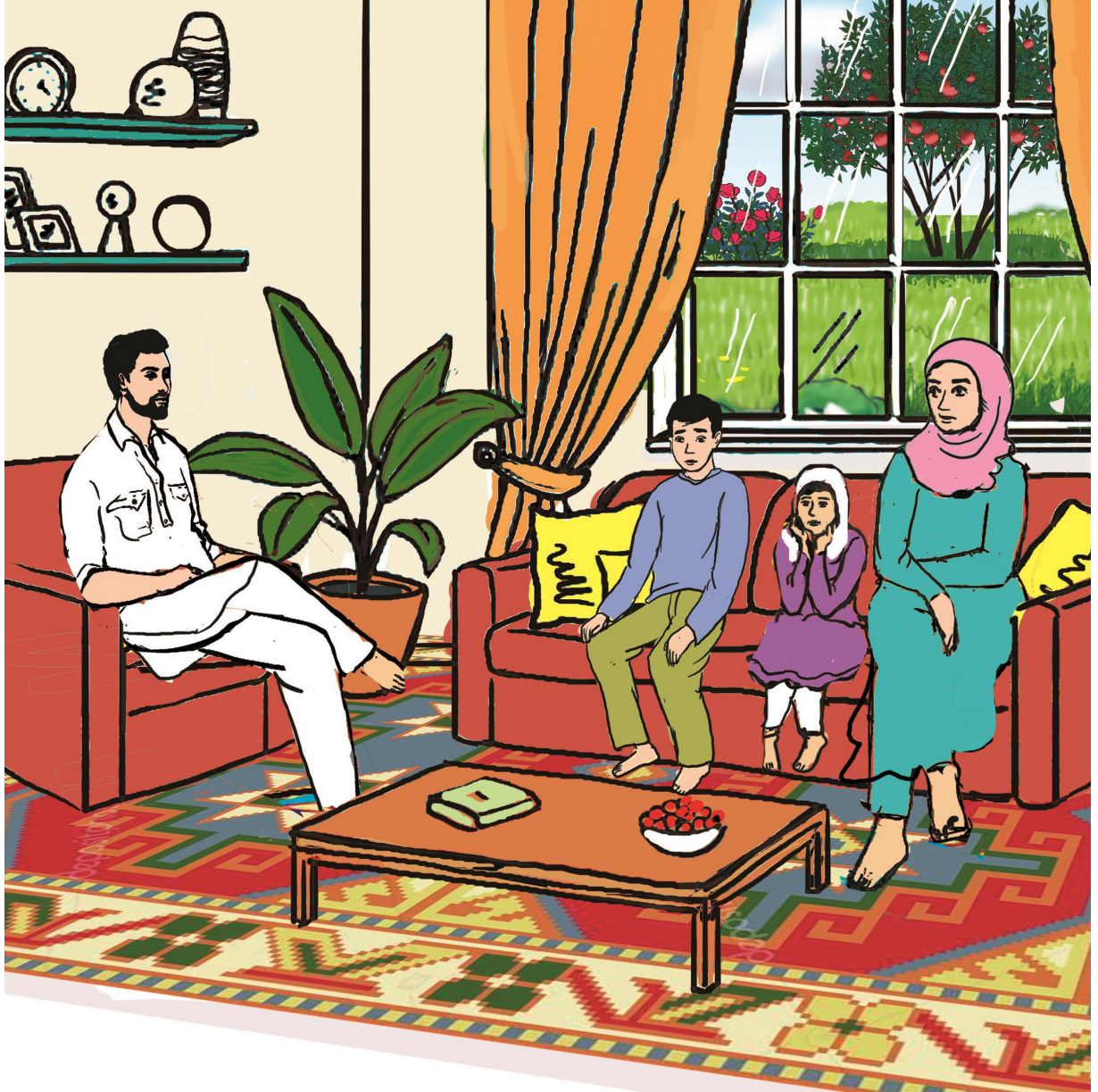


# خاطرے سفر

Travel Memior



جان گلزاری

Hazaragi

لوزای آزرگی قد معنای شی ده انگلیسی

City شار

Their اُنجی

Intersting دلپسند

Running دیده

Dad/Mum آئی، آبی

Let's بید

Stuff وسائیل

Sitting سوره

Start ری

Worthy دیدنی

Beautiful نوربند

Friend رفیق

Uncle کاکئی

Welcome منده نشی

Greeting پُرجوئی

Pretty قشنگ

Foothil پیدمونی

Big کتّه

Ballarat بلارات

Dimond الماس

Coper میس

Metal آئین

Preth پیرت

Homeland میهن

That او

Written نویشتوم

Storytelling نقل

Now/Turn یالی، نوبت

Others دیگرو

خاطرے سفر

## Travel Memior

John Gulzari

تشکوری مونی از بلوم بک پروجیکت که قالب ای کتاب ره ده اختیار مو ایشته

Hazaragi

Afghanistan, Pakistan, Australia

Copyright © 2022, John Gulzari



<http://creativecommons.org/licenses/by-nd/1.0/>

You are free to make commercial use of this work. You may not make changes or build upon this work without permission. You must keep the copyright and credits for authors, illustrators, etc.

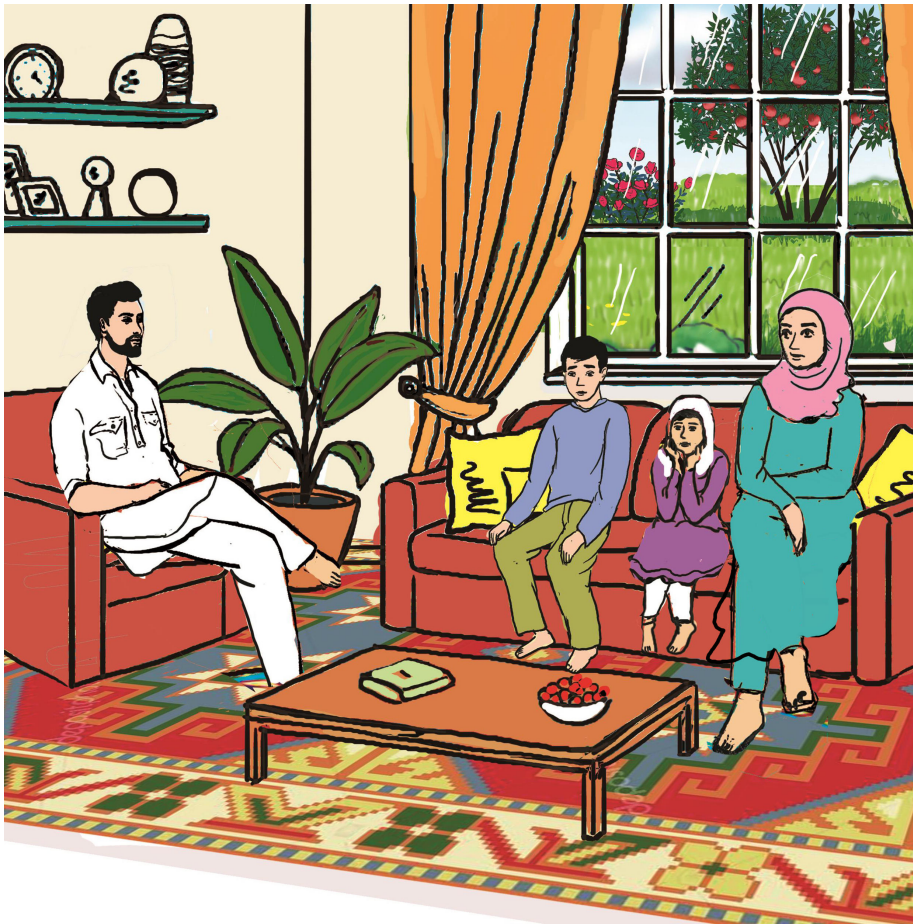
زیبونی آزرگی

جان گلزاری

This book is an adaptation of the original, خاطره سفر, Copyright 2021 Creative Associates International. Licensed under CC0 1.0.  
دومین عامه

تشکوری مونی از بلوم بک پروجیکت که قالب ای کتاب ره  
ده اختیار مو ایشته

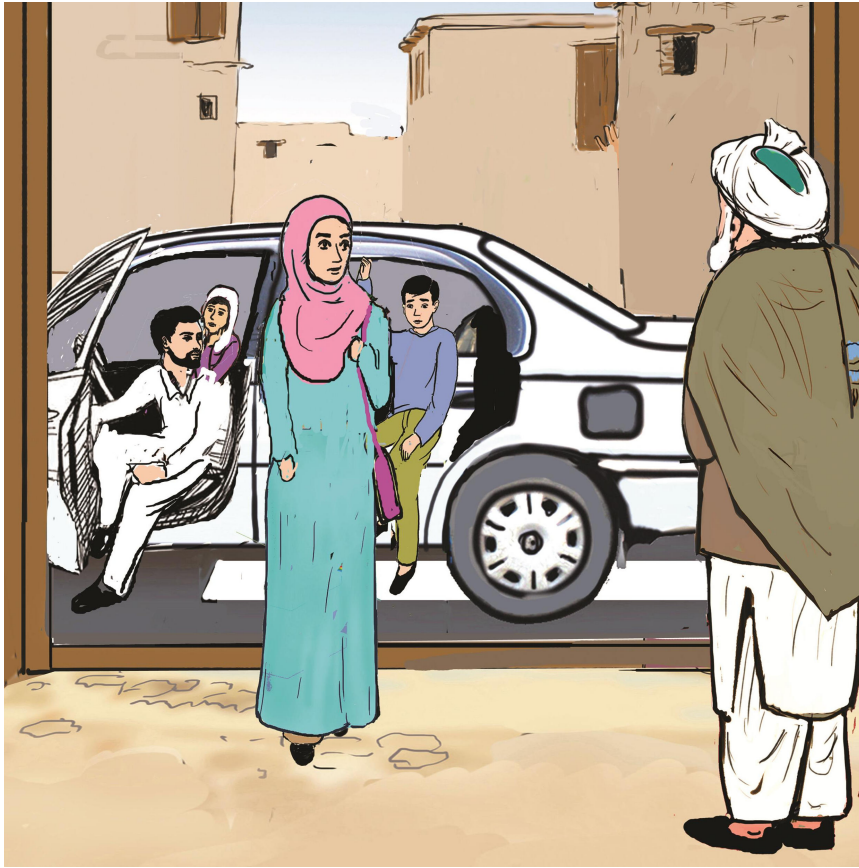
ISBN 978-0-6454841-4-4



ده يادم استه تايستو بود و رخصتی  
مکتب شروع شودد. مه قد لالے خو گفتم:  
بائين که گذرا بوری. آتے مه و آبه مه ره  
گفت: بائيد که ديگه شار بوری.

هوای اُنجی خیلی دلپسند استه. مو کُلگی  
مودیده کده پیش آبه خو رفتی. گفتیم: آبی  
آبی! بورکی بوری! آبی خندید و گفتگ  
خو: بیّد کُلگی مو وسائل را جمع کنی.  
کُلگی مو موتر ره سوره شودیی و ری  
شودی. ده را جایائی دیدنی و نوربند ره  
دیدي.

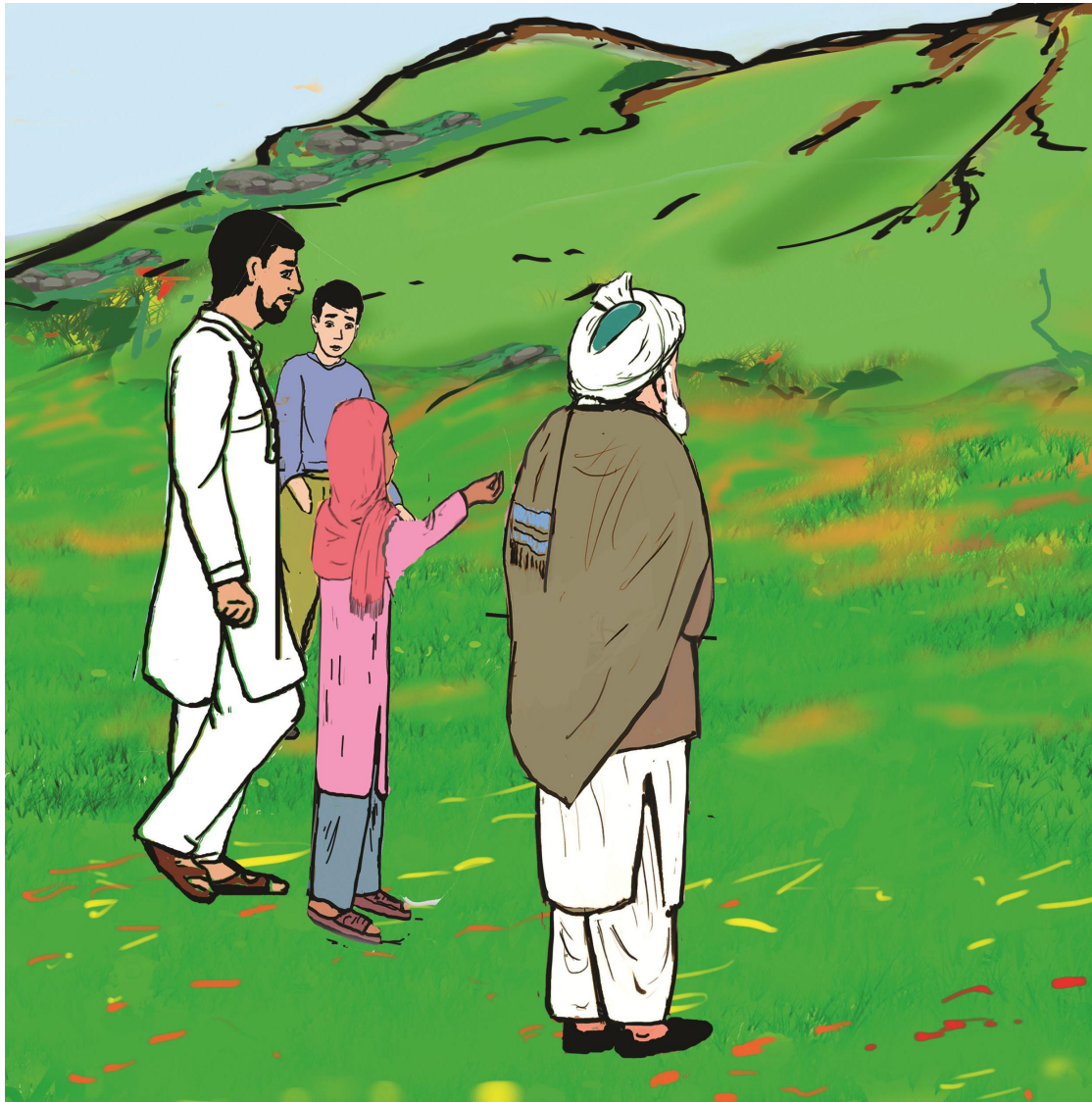




غیدی موتر مو ده دیگه شار رسید. ده  
خانے رفیق آتے مه چمن کاکئی رفتی. وآه  
موره خوب منده نشنی کد. نان چشت  
تیار بود. کلگی مو نان خوردی و بعد از او  
قد یک دگے خو پر جوئی کدی.

رفیق آتے مه گفت: باید که جایای دیدنی  
ای شار ره شموره نیشو بیدوم. مه، جواد  
لاله مه و آتے مه قد ازونها ریئ شُدی. تمام  
جایا ره دیدی که قشنگ و دیدنی بود. مو  
رفتیی رفتیی تا ده پی دیمونی یک کُته کوهِ  
رسیدی.





از چمن کاکئی پر سان کدُم: کاکئی جان این  
کدام کوه یه؟ او گفت: شیرین جان کاکئی،  
ای کوه «بلارآت» است. ازی کوه طلا بور  
شده صد سال پیش.

طلا یک معادن قیمتبائی استه که از او ده

زیورات استفاده موشه. کان طلا

«بلارات» ده دنیا نامداراسته. بائی طلا از

هر معادن دیگه قیمت بای استه علاوه از

الماس ده «بلارات» معادنیات دیگه ام استه

.امی رقم معدن میس و آئین ده شار پرت

استه. ای معادنیات سرمایئی ملی آسٹرلیا

استه.



جواد پُرساں کد: کاکئ دیگه چیز خیلا  
سرمایه ملی استه؟ کاکئ چمن گفتگ: دریا،  
جنگلات ها و معادنیات کلگی شی سرمایه  
ملی استه. آتے مه گفتگ: سال دگه پرت  
موریم. معادنیات میس و آئین ره از  
نزدیک مینگر نیم بخیره.

مه از خوشالی جیغ زدوم. آسٹریلیا  
عزیزمه، خانے نو مو کلو خوش دروم،  
چند روزی که مو اُنجی بودی خیلی خوش  
تیرشد. مه خاطره او سفر خوره نویشتوم  
کدوم وه برای شمو نقل کدم.  
یالی نوبت شمویه!  
شموام میتنید خاطره سفر خوره نویشته  
کده قد دیگرو نقل کنید.

آدم دنيا ديدة چيم شى وازه، آدم  
ناديده كوره

کتاب  
سماغ  
زیبونی آزرگی  
بلدے  
زوستون  
صنف  
ابتدائی